

عشق کوچک

هدیه‌ای بزرگ

نویسنده:

مریم منظری

ویراستار:

فهیمة رحمتی



نشرخانق

عشق گهوک هدیه ای بزرگ

لوایسته: مریم منظری

ویراستار: آیهامه رحمتی

ناشر: نشر خانق

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: اسفند ماه ۱۳۸۴

چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۵۶۲ صفحه جیبی

مرکز نشر: قم - شاهان ارم مؤسسه فرهنگی نشر خانق

۷۷۲۲۵۲۲ ۷۷۲۲۵۲۲ ۰۹۱۲۱۵۹۸۰۷۶

مرکز فروش: مؤسسه انلایی و توانایی ۶۶۲۹۰۷۰۶ - ۶۶۲۶۶۷۰۱

شابک: ۹۶۲ - ۵۹۷۰ - ۴۳ - ۱ ISBN : 964 - 5970 - 43 - 1

۶۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

معتقدم اگر ابتدای راه درست و با دقت گام برداریم و قدم‌های نخستان را با نمادی از موفقیت آغاز کنیم، مسلماً این آغاز ما را به آنچه هدفمان است نزدیک‌تر خواهد کرد. با نام یگانه ایزد منان، پروردگاری که یگانه مظهر تالو امید و پاکی است، آغاز می‌کنم.

کتابی که هم‌اکنون می‌خوانید نه یک نقد است نه یک قصه، این کتاب، تجربیات تلخ و شیرین زندگی می‌باشد. گاهی به یک نقاشی روی دیوار خیره می‌شویم، آن‌گاه شادابی و نشاط را در خود احساس می‌کنیم، برای لحظه‌ای دوست داریم نگاهی کنیم و به زیبایی بیندیشیم، ممکن است

در همان زمان کسی که در کنارمان به همان نقاشی نگاه می‌کند بگوید: این نقاشی یادآور خاطرات غم‌انگیزم است. این تفاوت در اعتقادات است که مسائل را مشکل‌آفرین یا آسان می‌سازد.

مطلب قابل ذکر این است که مهم، چگونگی نگرش و بینش ما به راز تفاوت‌ها و تفاهم‌ها است. همیشه سعی‌ام بر این بوده است که نوشته‌هایم را به گونه‌ای بیان کنم که نظرات افراد برای بیان عقیده‌هایشان متفاوت باشد، اما از سر بسته گفتن بیزارم زیرا خواننده را سردرگم خواهد کرد. هر گاه می‌خواهم به مسئله‌ای فکر کنم، از دیدگاه‌های متفاوتی به آن می‌اندیشم و خود را جای کسانی می‌گذارم که مشکلاتی در زندگی‌شان دارند و دقیقاً آن زمان است که می‌توانم

دیگران را هرچه بیشتر و بهتر درک کنم.

تفاوت و پراکندگی موضوعات نوشته‌هایم، به این دلیل است که نمی‌خواهم تمام زندگی‌ام را در بند زمان، مکان یا یک موضوع خاصی بگذرانم، آری روحم را آزاد کردم تا در بند کسی غیر از «خدا» نباشد. همیشه به دنبال تجربه‌ای تازه بودم زیرا انسان باید تغییرپذیر و خستگی‌ناپذیر باشد و هر صبحگاه با تولدی دوباره زندگی جدیدی را مملو از زیبایی و طراوت بسازیم و تمام سعی‌ام بر این است که مواردی را عنوان کنم که شاید برای بسیاری از ما در زندگی روزمره اتفاق افتاده باشد.

می‌خواهم با نوشته‌هایم دیگران را درک کنم و بگویم در اوج غم و شادی کسی هست که

می‌داند چه کسی چه کاری را انجام می‌دهد، چه حسی دارد و در هر لحظه و ساعتی به چه چیزی فکر می‌کند. وقتی خدایی داریم که چنین آگاهانه در اوج زمین و آسمان و هر آنچه در آن است ایستاده و با حکمت و عدالت کامل حکم می‌کند باید همه چیز را با خیالی آسوده به او بسپاریم، تلاش کنیم و با زندگی به آرامی و نشاط یک رود در حرکت باشیم.